

Received: 2023/2/2

Accepted: 2023/1/31

from 67 to 86

Sharif Salemizadeh

Ph.D. student of the Quran and Hadith Sciences at Ilam University.
sharifsalemi@yahoo.com

Seyed Mohammad Reza Hoseinia

Assistant Professor of Quran and Hadith Sciences at Ilam University.
M.hoseinia@ilam.ac.ir

Mahdi Akbarnezhad

Professor of the Quran and Hadith Sciences at Ilam University.
M.akbarnezhad@ilam.ac.ir

Keywords:

Education, politics, Principles, Abduh, Al-Manar

A Study of the Principles of Political Education in Tafsir Al-Manar

Abstract

Tafsir al-Manar, organized by Muhammad Abduh and his student Rashid Riza, stands as one of the most renowned contemporary commentaries, recognized for its emphasis on educational aspects. Commentators often carry their own set of underlying assumptions and intellectual frameworks, which manifest in their interpretations. These foundational principles vary widely, but they can be broadly categorized into principles related to social education and those concerning political education. The fundamentals of political education pertain to the presuppositions, beliefs, and perspectives that equip individuals for effective governance within society. Considering Muhammad Abduh's active involvement in politics and the historical context in which he lived, his interpretations are imbued with significant political insights that remain relevant today. Within Al-Manar's interpretation, numerous principles of political education come to the fore. Among these principles within Muhammad Abduh's political education, as evidenced in Al-Manar, are the prioritization of religious reforms over political reforms, the purpose-driven nature of Islamic education, the recognition of human equality, and more. These principles continue to hold relevance in contemporary times.

چکیده

در عصر حاضر، به سبب تخصصی شدن علوم، تربیت نیز شاخه‌ها و گرایش‌های بسیاری یافته است. تربیت سیاسی یکی از مهم‌ترین انواع تربیت است. هر امری که مربوط به اداره‌ی امور مردم است، در دایره‌ی سیاست قرار می‌گیرد و همین باعث می‌شود که تربیت سیاسی بسیاری از امور را تحت تأثیر قرار دهد. با توجه به اینکه مبانی تفسیری هر مفسری نقش به‌سزایی در معرفی و فهم تفسیر وی دارد، این قلم مبانی نظری تربیت سیاسی تفسیر المنار را شناسایی و معرفی کرده است و پس از بررسی این تفسیر، این مبانی از چهار بعد خداشناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی و زمان‌شناختی بررسی شده‌اند. با توجه به تأثیر تربیت سیاسی و همچنین جایگاه تفسیر المنار در میان تفاسیر معاصر از یک‌سو و با توجه به اینکه این نوع تربیت کمتر مورد توجه قرار گرفته است، این نوشتار در پی آن است که به روش تحلیل معنا، نگرش تفسیر المنار به تربیت سیاسی را معرفی کند. از مبانی تربیت سیاسی در تفسیر المنار می‌توان به تقدم اصلاحات دینی بر اصلاحات سیاسی، لزوم تربیت آزادی‌خواهی، برابری انسان‌ها و... اشاره کرد.

شریف سالمی زاده

دانشجوی دکتری دانشگاه ایلام

sharifsalemi@yahoo.com

سید محمد رضا حسینی نیا

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث

دانشگاه ایلام، (نویسنده‌ی مسئول)

m.hoseininia@ilam.ac.ir

مهدی اکبرنژاد

استاد گروه علوم قرآن و حدیث

دانشگاه ایلام.

m.akbarnezhaad@ilam.ac.ir

واژگان کلیدی:

عبده، تربیت سیاسی، مبانی نظری،

تفسیر المنار.

مقدمه

قرآن کریم کتابی است که به‌عنوان سند رسالت پیامبر اکرم^(ص)، از ابتدای نزول کانون توجه مفسران و نویسندگان بوده است. در این کتاب به همه‌ی جوانب و ساحت‌های زندگی انسان پرداخته شده و آیات قرآن پاسخگوی مسائل مختلف انسان بوده و در نخستین آیات سوره‌ی بقره، قرآن به‌عنوان «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» معرفی شده است؛ همچنین آیاتی که درباره‌ی هدایت انسان سخن گفته است، فراوان است. این آیات نشان می‌دهد که مهم‌ترین کارکردهای آیات قرآن هدایت و تربیت انسان است.

انسان برای جانشینی خداوند در زمین آفریده شده و مستعد کسب بسیاری از کمالات و صفات است و این مهم جز از طریق تعلیم و تربیت حاصل نمی‌شود. بر اساس همین، تعلیم و تربیت انسان سرلوحه‌ی اهداف همه‌ی انبیاء^(ع) قرار گرفته است. تربیت به معنای رشد دادن و رفع موانع برای شکوفایی استعدادها به‌سوی کمال است. از آنجاکه قرآن در زمینه‌ی هدایت و تربیت انسان از هیچ مسئله‌ای فروگذار نکرده است و پیگیری اهداف تربیتی قرآن انسان را به کمال می‌رساند؛ همچنین با توجه به اینکه امر هدایت و تربیت و تزکیه انسان باهم گره خورده و تفکیک‌ناپذیر است، بسیاری از مفسران بر آن شده‌اند تا نکات تربیتی آیات قرآن را استخراج کنند (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۶۵؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۶ ص ۱۱۵). بسیاری از نظریه‌های تربیتی مربوط به دوران جدید است و ممکن است بسیاری از اندیشمندان سده‌های نخستین اسلامی در تربیت به معنای امروزی آن تخصص نداشته‌اند؛ اما در حقیقت آنان از طریق قرآن، سنت و منابع اصیل اسلامی بسیاری از مفاهیم تربیت را می‌شناخته‌اند و درباره‌ی آن مطالبی بیان داشته‌اند؛ مثلاً فارابی (۲۵۹-۳۲۹ ق) فیلسوف اسلامی، برخی از ویژگی‌های مدینه‌ی فاضله را بیان داشته است (نک: فارابی، ۱۹۶۴، ص ۴۵)؛ همچنین ضرورت وجود حکومت را بیان کرده است (نک: حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳) و نیز ابن‌خلدون (۱۳۳۲-۱۴۰۶ م) برخی از ضروریات حکمرانی را در مقدمه‌ی خویش تبیین نموده است (نک: ابن‌خلدون، ۱۴۳۸، ص ۱۵۹)؛ همچنین ابوحامد غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ ق) در کتاب کیمیای سعادت خود، برخی از آموزه‌های اخلاقی را بیان داشته است (غزالی، ۱۳۸۹، ص ۸۰). در واقع، دانشمندان اسلامی در سال‌های گذشته، اساس این آرای تربیتی جدید را بنا نهاده‌اند و بسیاری از این نظریه‌ها شرح و تفسیر همان نظریه‌های مسلمانان است. قطعاً قرآن کریم به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین سند هدایتی که برای انسان‌ها فرو فرستاده شده است، منشأ و مبنای اصلی منظومه‌ی تربیت اسلامی است.

تربیت سیاسی یکی از مهم‌ترین انواع تربیت است. از آنجاکه اسلام دین فرد و جامعه است و هیچ جامعه‌ای بدون سیاست اداره نمی‌شود، برای همین، تربیت سیاسی از طریق آگاهی‌بخشی در پی آماده‌سازی افراد در تعیین سرنوشت خویش است؛ همچنین افراد را قادر می‌سازد که در آینده، توانایی پذیرش مسئولیت سیاسی را داشته باشند. تربیت سیاسی از نخستین سال‌های زندگی آغاز می‌شود و تا پایان عمر ادامه پیدا می‌کند. مهم‌ترین شاخصه‌ی تربیت سیاسی اسلامی تأکید بر اجرای عدالت در همه‌ی سطوح است: «وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء، ۵۸).

نظام سیاسی اسلام ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که آن را از سایر نظام‌ها متمایز می‌سازد. مهم‌ترین ویژگی نظام سیاسی اسلام منبع الهی آن است که قرآن قواعد و قوانین آن را وضع کرده است.

تردیدی وجود ندارد که راز موفقیت بسیاری از کشورها و ملت‌های موفق، برخورداری از نظام سیاسی درست و سالم است که داشتن مبانی سیاسی و معرفتی دقیق و محکم از عوامل مؤثر در ایجاد یک نظام سیاسی موفق است. محیط سیاسی تأثیر فراوانی بر رفتار افراد و گروه‌ها و نقش آنان در جامعه دارد و هرگاه اوضاع سیاسی بهبود یافت، رفتار افراد و گروه‌های جامعه نیز اصلاح خواهد شد.

همان‌طور که گذشت، مبانی تربیت سیاسی مورد نیاز یک نظام سیاسی قدرتمند در قرآن و سنت بیان گشته است که اندیشمندان اسلامی به فراخور شرایطی که در آن به سر می‌برده‌اند، این مبانی را تبیین کرده‌اند. محمد عبده و شاگردش رشید رضا از اندیشمندانی هستند که به تربیت سیاسی مسلمانان اهمیت فراوانی داده‌اند و علاوه بر اینکه زندگی خویش را صرف فعالیت‌های سیاسی نموده‌اند، بسیاری از مبانی سیاسی و تربیتی را در آثار خویش بیان کرده‌اند.

بدون تردید، روش سیاسی تفسیر المنار بیانگر شناخت مفسران آن از واقعیات دوران خویش است. گفتگو درباره‌ی سیاست نزد مفسران المنار به روشنی نظریه‌ی اصلاح‌گرایانه‌ی ایشان را روشن می‌سازد. با توجه به تأثیری که تفسیر المنار و محمد عبده و شاگردش رشید رضا بر تفاسیر و اندیشمندان اسلامی داشته‌اند، شناسایی و بازخوانی آرا و دیدگاه‌های این مفسران ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، با توجه به دور شدن حکمرانان جوامع اسلامی از آرای سیاسی اسلام، تربیت مردمان بر اساس آموزه‌های قرآن اهمیت می‌یابد. با توجه به اینکه آرا و مبانی تربیت سیاسی تفسیر المنار در موارد بسیاری از قرآن کریم و سنت پیامبر وام گرفته شده‌اند، شناخت و آموزش این مبانی می‌تواند در معرفی دیدگاه تربیتی اسلام مؤثر واقع شود. نظر به اینکه تفسیر المنار درس‌های محمد عبده بوده که شاگردش رشید رضا نوشته و تکمیل کرده است، جداسازی این مبانی از همدیگر امری بسیار دشوار است، هرچند با توجه به تأثیر فراوانی که محمد عبده بر شاگردش داشته است، می‌توان با تسامح این مبانی را به محمد عبده منسوب ساخت؛ اما این قلم در پی تفکیک این مبانی از همدیگر نیست و تنها به شناسایی و بررسی مبانی بازتاب یافته در تفسیر المنار، فارغ از انتساب آن‌ها به هریک از این مفسران، بسنده کرده است.

مهم‌ترین پرسش‌هایی که این قلم در پی پاسخ به آن است، این است که صاحب تفسیر المنار در ابعاد مختلف خداشناسی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناختی چه مبنایی داشته است؟ همچنین آیا این مبانی با منابع تربیت اسلامی ارتباط دارد یا صرفاً ساخته‌ی ذهن صاحب تفسیر المنار است؟

مفهوم‌شناسی مبانی تربیت سیاسی

مبانی جمع مبنا و در لغت به معنای اساس و شالوده‌ی هر چیزی است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۵۰). مبانی را در تفسیر همواره به‌عنوان پیش‌فرض‌ها و اصول و مطالب پذیرفته‌شده

نزد مفسر معنا کرده‌اند که نزد مفسران متفاوت است و اختلاف در تفسیر را به همراه می‌آورد؛ زیرا مبانی ثابتی برای همه‌ی مفسران وجود ندارد و مفسران پیش از شروع تفسیر، گاه آن‌ها را در ضمیر ناخودآگاه خود، پذیرفته و یا در مواردی پس از تحلیل مستدل نموده‌اند (نک: مؤدب، ۱۳۹۶، ص ۲۸)؛ همچنین مبانی این‌گونه معنا شده‌اند: «باورداشت‌های پایه‌ای که همه یا برخی از آرا و انگاشته‌های مرتبط به مسائل علم بر آن‌ها مبتنی است» (شاکرین، ۱۳۸۷، ص ۲۲). مبانی در اصطلاح به آن دسته از پیش‌فرض‌های ثابت، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی و عملی یا اطلاعاتی گفته می‌شود که مفسر یا شارح با پذیرش و مبنا قرار دادن آن‌ها، به تبیین مفهوم متن می‌پردازد (فقهی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۴۰). درواقع، این پیش‌فرض‌ها جهت‌گیری‌های نویسنده را مشخص می‌سازند. ممکن است این مبانی و پیش‌فهم‌های مفسر قرآن از خود قرآن یا هر منبع دیگری دریافت شده باشد. آنچه در این باب مهم است، این است که این مبانی در سراسر تفسیر حاکمیت دارند و قابل‌مشاهده هستند.

راغب تربیت را به معنی رشد و پرورش گام‌به‌گام و مرحله‌به‌مرحله معرفی کرده است (راغب، ۱۳۶۹، ص ۳۳۶). شاید بتوان گفت که یکی از مؤلفه‌هایی که در تعریف تربیت مورد اتفاق است، تدریجی بودن و گام‌به‌گام بودن تربیت است (کاشفی، ۱۴۱۹، ص ۵۳۲).

در تفسیر المنار تربیت این‌گونه تعریف شده است: «تربیت فرایند آماده‌سازی فرد برای زندگی شایسته، به‌گونه‌ای که فرد هم برای خود و هم برای جامعه مفید باشد» (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۶). صاحب المنار میان تربیت اسلامی و تربیت مسلمانان تفاوت قائل می‌شود و معتقد است که تربیت اسلامی تربیتی است که پیامبر اکرم (ص) تعالیم آن را آورده است، درحالی‌که تربیت مسلمانان به سبب دوری مسلمانان از آموزه‌های اسلام، بسیار منحرف شده و به علت اینکه تربیت مسلمانان از تربیت غربی‌ها گرفته شده است، انواع فسادها و انحرافات را وارد جامعه‌ی اسلامی کرده است (همان، ج ۴، ص ۳۶۰)؛ همچنین در جای دیگری می‌گوید: «انسان تنها از طریق تربیت انسان می‌شود و این تربیت چیزی جز آموزه‌ها و احکامی که پیامبران آورده‌اند نیست که این تربیت انسان را به سعادت حقیقی می‌رساند؛ زیرا در این نوع تربیت انسان راست‌گویی، امانت‌داری و دوست داشتن خویش را می‌آموزد. انسان از طریق دوست داشتن، خویش محبت به دیگران را می‌آموزد» (عماره، ۱۹۹۳، ج ۳، ص ۱۶۸). محمدتقی جعفری سیاست را این‌گونه تعریف کرده است: سیاست به معنای مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان‌ها در مسیر حیات معقول است (جعفری، ۱۳۷۳، ص ۴۸). بدین ترتیب، با توجه به اینکه دین اسلام علاوه بر توجه به آخرت و بعد معنوی انسان، به دنیا نیز اهمیت داده است، می‌توان گفت تربیت سیاسی یکی از مهم‌ترین انواع تربیت است؛ زیرا فرد را برای پذیرفتن مسئولیت‌های سیاسی- اجتماعی آماده می‌سازد و نتیجه‌ی آن قادر شدن انسان برای اداره‌ی امور زندگی دنیوی خویش است. هر امری که مربوط به اداره‌ی امور مردمان است، در دایره‌ی سیاست قرار می‌گیرد. امروزه سیاست به‌عنوان یک دانش و یک رشته‌ی تخصصی در نظر گرفته می‌شود؛ اما مفهوم سیاست بسیار گسترده است، به‌گونه‌ای که انسان حتی برای اداره‌ی یک خانه نیازمند برخی از توانایی‌ها است که به‌نوعی سیاست به‌شمار

می‌روند. تربیت سیاسی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: تربیت سیاسی فرایندی است که از طریق آن مشروعیت حاکمیت، قانون‌مداری، گفت‌وگو و بهبود زندگی و شکوفایی انسان محقق می‌شود (برزگر وهمکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۱)؛ بنابراین، می‌توان گفت که تربیت سیاسی هر آن چیزی است که زندگی مادی و معنوی انسان را تعالی می‌بخشد و شرایط زندگی انسان را تغییر می‌دهد. مدنی بودن و اجتماعی بودن مهم‌ترین شاخصه‌های انسان به‌شمار می‌روند. این بعد اجتماعی انسان شئون ویژه و مختلفی دارد که مهم‌ترین آن‌ها ابعاد سیاسی، خانوادگی، اقتصادی و... است و هرکدام از این ابعاد نیازمند تربیت و آموزش است که مبانی تربیت سیاسی یکی از ساحت‌های مهم تربیت اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ بنابراین می‌توان گفت، مبانی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... در بسیاری زمینه‌ها باهم هم‌پوشانی دارند؛ اما هم به سبب تأثیری که مبانی سیاسی بر سایر ساحت‌های تربیتی دارند و همچنین به علت فعالیت‌های سیاسی گسترده‌ای که نگارندگان تفسیر المنار داشته‌اند، این قلم به‌طور ویژه به این ساحت پرداخته است. گفتنی است که منظور از مبانی تربیت سیاسی در این نوشتار، تربیت سیاسی مرتبط با آموزه‌های دینی و اسلامی است که در قرآن و سنت ریشه دارند و مفسران المنار به آن‌ها توجه داشته‌اند.

مبانی تربیت در تفسیر المنار

هنگامی که درباره‌ی مبانی فکری شخصی گفتگو می‌شود، حتی اگر خود آن فرد برخی مبانی فکری خویش را مشخص کرده و درباره‌ی آن‌ها مطالبی بیان نموده باشد، باز نمی‌توان مبانی فکری وی را به این مباحث محدود ساخت. به علت گستردگی مبانی فکری هر شخص، محدود ساختن مبانی وی در یک چارچوب خاص نیز بسیار دشوار است. قدر مسلم، مبانی تربیتی یک اندیشمند تنها بیانگر بخشی از مبانی فکری وی است؛ به عبارت دیگر، شاید نتوان مبانی فکری یک شخص را در یک تحقیق بیان کرد. بر اساس همین، همان‌گونه که این نوشتار مبانی تربیت سیاسی تفسیر المنار را بررسی کرده، پژوهش‌های دیگری می‌تواند مبانی کلامی و... را بررسی کند. از سوی دیگر، مبانی تربیتی نیز محدود به حوزه‌ی خاصی نیست و تربیت بسیاری از جنبه‌های زندگی انسان را در برمی‌گیرد. در ابتدا تلاش می‌شود که نگاه عام مفسر به تربیت بررسی گردد و سپس با توجه به اینکه این قلم به‌طور خاص به تربیت سیاسی در تفسیر المنار پرداخته است، در ادامه ذیل عنوان مبانی خاص، مبانی تربیت سیاسی تفسیر المنار بررسی خواهد شد.

۱. مبانی عام

در اینجا مباحثی بررسی می‌گردد که به‌طور کلی به تربیت مربوط می‌شود و به حوزه‌ی خاصی محدود نیست؛ برای همین این مبانی ذیل مبانی عام مورد گفتگو قرار می‌گیرند. البته برای اینکه این نوشتار از هدف اصلی خویش که همان مبانی تربیت سیاسی است، بازماند، مبانی عام به‌اختصار و بدون جزئیات بررسی می‌شوند.

۱.۱. هدفمندی تربیت اسلامی

به عقیده‌ی «صاحب تفسیر المنار»، انسان به‌طور فطری به پرستش خداوند گرایش دارد؛ اما گاهی عمل انسان بر اساس فطرت ضعیف می‌گردد. بر اساس این، لازم می‌شود که دین نقش تربیتی خود را ایفا کند و انسان را از پرستش غیر خدا به پرستش خداوند رهنمون سازد؛ بنابراین، پرستش انسان فطری است؛ اما درواقع، تربیت دینی پرستش فطری انسان را تکمیل می‌سازد (نک: رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۴۵).

قرآن کریم هدف اساسی خلقت را پرستش معرفی کرده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶). بر اساس این، هر آنچه انسان را به سوی عبادت رهنمون سازد ارزشمند است. «صاحب المنار» معتقد است که تربیت اسلامی هدفمند است و این تربیت با هر روش و رویکردی دنبال گردد، درنهایت به یک هدف منتهی می‌شود. این هدف همان پرستش است. درواقع، پیش از آنکه انسان این هدف را تعیین کرده باشد، خداوند این هدف را برای خلقت انسان معرفی نموده است.

۲.۱. رعایت تدریج در تربیت

صاحب تفسیر المنار معتقد است که برای اینکه تربیت اثرگذار باشد، باید تدریجی انجام گردد و گذر زمان نیز باید یکی از عناصر تأثیرگذار در تربیت به‌شمار آید و این مطلبی است که اسلام در احکام فردی و اجتماعی به آن توجه داشته است. وی در تفسیر «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا» (نحل: ۷۸) می‌نویسد: «اصل خلقت انسان این است که انسان نادان خلق شود که از هیچ کدام از ضروریات زندگی خویش آگاه نیست. حتی غریزه‌اش نسبت به غریزه‌ی حیوانات ضعیف‌تر است و اصل بر این قرار گرفته که انسان به شکل گام‌به‌گام مورد تربیت قرار گیرد که بسیاری از آیات قرآن همانند این آیه مطلب را تأیید می‌کنند» (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۵۰۷). تدریجی بودن تربیت باعث می‌شود که در ابتدا امور مهم‌تر و مؤثر بیان گردد و سپس نوبت به امور کم‌اهمیت می‌رسد و بدین ترتیب، افراد برای فراگیری اموری که در زندگی مهم هستند، اولویت‌بندی می‌کنند که همین باعث می‌شود که هر چیز در جای خود بیان گردد؛ همچنین چیزی فراتر از توان افراد و جامعه بیان نمی‌شود.

از نظر صاحب المنار تدریجی بودن تربیت، دشواری یادگیری آن را از میان می‌برد و صبر بر آن را آسان می‌کند؛ زیرا رویارویی با یک امر جدید برای انسان دشوار است و ممکن است انسان توان یادگیری سریع برخی از امور را نداشته باشد (نک: همان، ج ۴، ص ۲۷۳).

۲. مبانی خاص

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، در اینجا مبناهایی که صاحب المنار درباره‌ی تربیت سیاسی داشته است، بررسی می‌گردد که این مبانی نظری ساحت‌های مختلفی از زندگی سیاسی را موردتوجه قرار می‌دهد.

مبانی تربیت سیاسی مفسر در تفسیر المنار

با توجه به گستردگی نگاه صاحب تفسیر المنار به مقوله‌ی تربیت سیاسی می‌توان این مقوله را در ساحت‌های مختلفی بررسی و ارزیابی کرد، به‌گونه‌ای که این نوع از تربیت شامل مبانی خداشناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی و زمان‌شناختی می‌شود. در ادامه همه‌ی ساحت بررسی خواهند شد.

۱.۲. مبانی خداشناختی

بدون تردید دعوت به توحید و پرستش خداوند هدف اساسی دعوت همه‌ی انبیا بوده است؛ اعتقاد به خداوند و پرستش او به زندگی انسان جهت می‌دهد. این توجه به خداوند زندگی دنیوی و اخروی انسان را تحت شعاع خود قرار می‌دهد. همین باعث می‌شود که برای اینکه یک مکتب فکری موفق گردد، باید خداشناسی محور آن قرار گیرد؛ زیرا ممکن است برخی از مکاتب تربیتی بدون توجه به خداشناسی بتوانند به برخی از اهداف تربیتی خویش برسند؛ اما چنین تربیتی به تأمین خواسته‌های دنیوی محدود خواهد شد؛ برای همین، خداوند و دین به‌عنوان رکن اساسی تربیت مدنظر تفسیر المنار قرار گرفته است.

۱.۱.۲. اولویت اصلاحات دینی

شاید بتوان گفت، ریشه‌ی بسیاری از گرفتارهای امت اسلامی فهم نادرست دین است. در سالیانی که پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) بر امت اسلامی گذشته است، از بسیاری از مفاهیم اسلام قرائت‌های مختلفی شده است که گاه این تفسیرها نادرست بود و از قضا همین تفسیرهای ناصواب ممکن است وارد باورهای عموم مردم شود و پس از مدتی، به یک باور تغییرناپذیر تبدیل گردد. همین باورهای ناصواب باعث می‌شود که دشمنان اسلام تهمت‌های ناروا به دین اسلام وارد سازند. اگر باورها فاسد شدند، همه‌ی ارکان مملکت سست خواهد گشت و ممکن است افراد مختلف با سوءاستفاده از باورهای نادرست بر مردم حکومت کنند. در بیشتر اوقات، این افراد مورد حمایت استکبار قرار می‌گیرند؛ زیرا هم منافع کشورهای استعماری را تأمین می‌کردند، هم با ضعف خویش کشورهای اسلامی را ضعیف نگه می‌داشتند. حال تا زمانی که باورهای مردم اصلاح نشود، هر قدر این افراد جایگزین گردند، افراد دیگری نیز با همین رویه جانشین آنان خواهند شد؛ بنابراین، صاحب المنار چاره را در اصلاح باورهای مردم می‌داند؛ به‌عبارت‌دیگر، معتقد بود که تغییرات باید از توده‌های مردم شروع شود و به حاکمان منتهی گردد. «احمد امین» در این‌باره می‌نویسد: «عبده معتقد بود که اصلاح و تربیت مسلمانان از طریق اصلاح باورهای دینی‌شان، بسیار آسان‌تر از تلاش برای تغییر و تربیت آنان با استناد به یافته‌های علوم غربی است.» (امین، ۲۰۱۲، ص ۳۳۱)؛ یکی از نکاتی که در تفسیر المنار و سایر تألیفات مفسران المنار قابل‌مشاهده است، این است که ایشان معتقد بودند که دین در همه‌ی مکاتب اخلاقی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و جایگزینی برای آن نیست؛ برای همین است که بیشتر معلمان تلاش می‌کنند که پیش از هر چیز، فراگیران

خویش را با دین آشنا سازند و روحشان را با آن مانوس سازند؛ بنابراین، به نظر صاحب المنار، اصلاح دین بهترین و ساده‌ترین وسیله برای تغییر دستگاه اخلاقی امت اسلامی است. بر اساس تفسیر المنار، یکی از اشکالاتی که بر اسلام گرفته می‌شود، این است که باورها و اجتهادات گاه نادرست مسلمانان را به نام اسلام می‌گذارند، درحالی‌که این نظرها و اجتهادات نتیجه‌ی اجتهاد و نظر فقها است و اسلام راستین را باید در قرآن و سنت پیامبر اکرم^(ص) جستجو کرد، اگر بتوان باورهای نادرست دینی را اصلاح نمود، در گام بعد می‌توان برای اصلاح جامعه و دولت اقدام کرد (نک: رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۱۹۴).

بنابراین می‌توان گفت، با توجه به تأثیری که آموزه‌های اسلامی در سراسر زندگی مردم دارد، همچنین با توجه اینکه پس از رحلت پیامبر اکرم^(ص) برخی از آموزه‌های اسلامی تحریف شد یا درست فهمیده نشد، اصلاح آموزه‌های اسلامی می‌تواند نخستین گام برای اصلاح جامعه‌ی اسلامی باشد؛ زیرا در بسیاری از اوقات، برخی از افراد و گروه‌ها با تحریف آموزه‌های اسلامی و تفسیر نادرست از گزاره‌هایی چون جبر و اختیار توانستند مدت فراوانی بر مردم حکومت کنند (پیشوایی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۸).

۲.۱.۲. لزوم اطاعت از حاکم عادل

بی‌تردید حاکم قوام‌بخش امور مردم است و بدون وجود او، جامعه دچار فروپاشی می‌شود. قرآن کریم خداوند را حاکم حقیقی معرفی کرده است: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (انعام: ۵۷) و بر اساس قوانین اسلامی، همه‌ی کارهای ریزودرشت مردم به خداوند بازمی‌گردد (نک: فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۱۴۹). از آنجاکه لازمه‌ی تحقق نظم و امنیت اطاعت آحاد مرد از حاکم است، می‌توان گفت که لزوم اطاعت از حاکم اختصاص به حکومت‌های دینی ندارد، بلکه شرط اساسی بقا و استمرار هر حاکمی، پیروی مردم از وی است. بر اساس همین، صاحب تفسیر المنار معتقد است که حکومت و زمامداری حق افراد باایمان است؛ زیرا تنها افراد باایمان می‌توانند قوانین خداوند را اجرا کنند و بر اساس احکام ایشان عمل نمایند (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۱۴). می‌توان گفت صاحب المنار برخلاف کسانی که معتقدند، اگر کسی حکومت اسلامی را بر عهده گرفت، خلیفه‌ی خداوند است و مردم وظیفه دارند از او اطاعت کنند، (نک: رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۱۱۴)، بر این باور است که مردم باید با حقوق خود آشنا شوند و هرگاه حاکم بر اساس قانون و عدالت رفتار نکرد، نه‌تنها نباید از دستورهای او اطاعت کنند، بلکه وظیفه دارند که برای اصلاح رفتار وی تلاش نمایند (همان، ج ۵، ص ۴۰۰).

۲.۲. مبانی انسان‌شناختی

شناخت انسان و ویژگی‌ها و نیازهای او از مؤثرترین عوامل در تدوین یک مجموعه‌ی تربیتی برای انسان است، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت، تربیت وی بدون این شناخت محقق نمی‌شود؛ برای همین، تفسیر المنار که یکی از رسالت‌های آن تربیت معرفی شده است، بر اساس این شناخت، نکات تربیتی قرآن را استخراج کرده است. از مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی تفسیر المنار می‌توان

به آغاز تربیت از خویش اشاره نمود.

۱.۲.۲. لزوم آغاز تربیت از خویش

برای اینکه تربیت مؤثر واقع شود، تربیت‌کننده باید پیش از هرکس دیگری، به رهنمون‌های خویش باور داشته باشد و به آن‌ها عمل کند. قرآن کریم ریشه‌ی عمل نکردن افراد به آموزه‌های خویش را استفاده نکردن از عقل معرفی فرموده است: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره: ۴۴). قدر مسلم، در صورتی که انسان تربیت را از خویش آغاز نکند، احتمال موفقیت در تربیت بسیار کاهش می‌یابد و در واقع، این دوگانگی وی در گفتار و عمل تأثیرگذاری وی را کاهش می‌دهد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۰). صاحب‌المنار معتقد است که ملت‌ها باید آموزش ببینند و تربیت و تغییر را از خویش شروع کنند؛ زیرا این یک سنت الهی است که تا مردمان نخواهند، احوالشان دگرگون نخواهد شد (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۸۰). از ویژگی‌های انسان خیرخواهی برای خویش است و اگر انسان خیر خویش را در امری ببیند، قطعاً پیش از دیگران، به انجام آن مبادرت خواهد کرد. در صورتی که دستوری، خیری برای انسان در بر نداشته باشد، دعوت دیگران به انجام آن نیز بیهوده خواهد بود (همان، ج ۱، ص ۲۹۷)؛ به عبارت دیگر، اگر این امری که انسان دیگران را به انجام آن فرامی‌خواند، خیر مادی یا معنوی در بر دارد، چرا خود در بهره‌مندی از منافع این امر پیشگام نمی‌شود و اگر امری فایده‌ای ندارد، چرا دیگران را به آن فرامی‌خواند؟

اگر افراد به این توانایی برسند که خویش را تربیت کنند، گام بلندی برای تغییر جامعه‌ی خویش برداشته‌اند و در واقع، با این گام بر سرنوشت همه‌ی افراد جامعه‌ی خویش تأثیر می‌گذارند (همان، ص ۱۷). صاحب‌المنار با استناد به آیه‌ی ۱۱ رعد بیان می‌کند که انسان اگر بتواند تربیت را از خویش آغاز کند، بدون تردید خواهد توانست که جامعه را تغییر دهد؛ زیرا بدون تربیت افراد هیچ تغییری میسر نیست (عبده، ۱۳۴۳، ص ۹۵). از سوی دیگر، کسی که عهده‌دار امر یک جامعه می‌شود، اگر خود از حداقل‌های علم و تربیت بهره‌مند نباشد، علاوه بر اینکه در امر زمامداری جامعه موفق نمی‌گردد، قادر نخواهد بود که اسباب تربیت و هدایت افراد جامعه را فراهم سازد (رشید رضا، ج ۱، ص ۵). بدین ترتیب، روشن می‌شود که لزوم آغاز تربیت از خویش از مبانی اساسی تربیت سیاسی صاحب‌تفسیر المنار به‌شمار می‌رود.

۲.۲.۲. لزوم تربیت وجدان انسان

تربیت اسلامی یک تربیت وجدانی است؛ یعنی در این تربیت وجدان انسان تعلیم و تربیت می‌شود؛ به عبارت دیگر، تربیت اسلامی به‌گونه‌ای برای تربیت انسان‌ها تلاش می‌کند که انسان‌ها از درون محافظان و مراقبانی داشته باشند تا هنگامی که می‌خواهند به سوی خطا و اشتباه بروند یا اگر احیاناً دچار خطا و لغزش شدند، از سوی این مراقب داخلی ملامت و سرزنش گردند. به عقیده‌ی صاحب‌تفسیر المنار، تربیت وجدان انسان باید به‌گونه‌ای باشد که انسان در همه‌ی کارها خداوند را حاضر و ناظر بداند؛ زیرا وجدان بیدار انسان را از لغزش بازمی‌دارد و به

انجام عمل خیر وامی دارد. اگر انسان این‌گونه تربیت شود که بداند خدایی هست که بر اعمال او نظارت دارد و به خاطر کارهایش او را بازخواست می‌کند، حتماً پیش از اینکه به انجام کاری اقدام نماید، به همهی عواقب آن کار فکر خواهد کرد (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۲۲). درواقع، این مبنا یک ریشه‌ی قرآنی دارد. قرآن کریم در آیات مختلف تأکید کرده است که خداوند تبارک و تعالی از همهی کارهای نهان و آشکار انسان آگاه است: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (غافر: ۱۹)؛ به عبارت دیگر، یکی از روش‌های تربیتی قرآن تأکید بر آگاهی خداوند از اعمال ریزودرشت انسان است تا از این طریق، حتی بدون هیچ تنبیه و توبیخی، مانع از لغزش انسان شود. تأکید آیات قرآن این است که خداوند نه تنها از اعمال انسان و اتفاقاتی که در زمین رخ می‌دهد، آگاه است، بلکه حتی آنچه در آسمان‌ها رخ می‌دهد، نیز با آگاهی خداوند رخ می‌دهد: «لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ» (سبأ: ۳). آیات قرآن کریم وجدان انسان را مخاطب قرار داده‌اند تا اگر احیاناً وجدان انسان دچار غفلت یا خواب‌زدگی شده یا در اثر گناهان بی‌تفاوت گشته است، بیدار شود (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۲۷). به عقیده‌ی صاحب المنار، کسانی که وجدانشان معیوب می‌گردد، دیگر نمی‌توانند لذت حق را حس کنند و با آن آرامش پیدا کنند (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۴۱). از دلایل دیگری که صاحب المنار بر این مبنا ی تربیتی خویش ارائه کرده، این است که، ایمان وقتی بر وجدان مؤثر واقع شود، آنگاه وجدان بر سایر اعمال انسان اثرگذار می‌گردد (همان، ص ۱۶۰)؛ بنابراین، تربیت وجدان، تربیت اراده و اختیار انسان است، به‌گونه‌ای که بتواند بر اعمال و رفتار خویش تسلط داشته باشد و در بند هوای نفس خویش قرار نگیرد. تربیت اسلامی در پی آن است که انسان به درجه‌ای برسد که قبل از اینکه مورد قضاوت دیگران قرار گیرد، به‌وسیله‌ی وجدان خویش بازخواست شود؛ به عبارت دیگر، باید وجدان انسان به‌گونه‌ای رشد یابد که به‌مثابه یک دادگاه درونی عمل کند. در تربیت اسلامی باطن و ظاهر انسان یکسان می‌شود و انسان باکی ندارد روزی باطن او برای دیگران آشکار گردد.

۳.۲. مبانی جامعه‌شناختی

انسان، به‌عنوان یک موجود اجتماعی، هنگامی که در کنار سایر افراد جامعه قرار می‌گیرد و در محیط‌هایی چون خانواده، مدرسه، محل کار و... فعالیت می‌کند، این فعالیت‌ها باعث بروز مجموعه‌ای از رفتارها از وی می‌شود. وضع قوانین اجتماعی مناسب انسان را قادر می‌سازد، بدون ایجاد محدودیت برای دیگران، به مسئولیت‌های اجتماعی خود عمل کند. مقصود از «مبانی جامعه‌شناختی» عواملی است که از مطالعه‌ی علمی رفتار معنادار و نظام‌یافته‌ی فرد با هم‌نوعان خود به‌دست می‌آید. بررسی تفسیر المنار نشان می‌دهد که نگاه مفسران آن به حل بحران‌های جامعه‌ی اسلامی، از رهگذر تربیت فرد و جامعه تحقق می‌یابد؛ در ادامه، مبانی جامعه‌شناختی تفسیر المنار بررسی می‌شود.

۱.۳.۲. برابری انسان‌ها

قرآن کریم، برای هدایت انسان‌ها در همه‌ی زمان‌ها نازل شده است. این پیام آسمانی در گذر زمان روشنی‌بخش مسیر همه‌ی مردمان بوده است و انسان هر قدر پیشرفت کند، نمی‌تواند از قرآن بی‌نیاز شود. علاوه بر پیام‌های روشنی که برای هدایت و تربیت انسان به‌طور مستقیم بیان شده است، شیوه‌ی بیان آیات قرآنی نیز سرشار از پیام‌های تربیتی غیرمستقیمی است که از طریق توجه به سیاق آیات و سبک بیان آن‌ها، این پیام‌ها قابل دریافت هستند. بر اساس همین، علاوه بر آیاتی که به‌طور روشن بر برابری انسان‌ها تأکید کرده‌اند، آیاتی وجود دارند که به‌طور غیرمستقیم بر برابری انسان دلالت می‌کنند؛ به‌عنوان مثال، بسیاری از آیات با عبارت «یا ایها الناس» همه‌ی انسان را خطاب قرار داده‌اند. این‌گونه خطاب‌ها نشان می‌دهد که همه‌ی انسان‌ها از وظایف و حقوق یکسانی برخوردار هستند و نژاد و جغرافیا در جایگاه مردم نزد خداوند نقشی ندارند. از نکات شایان توجه در این‌باره این است که اولین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم (ص) بر منشأ یکسان همه‌ی انسان تأکید کرده‌اند: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ» (علق: ۲). شاید بتوان گفت، راز برتری‌جویی برخی از انسان‌ها بر یکدیگر به علت توجه نکردن به منشأ یکسان انسان‌ها است، درحالی‌که بر اساس آیات قرآن کریم، مردمان از یک زن و مرد خلق شده‌اند (اعراف: ۱۸۹) با این نگاه، قرآن کریم بسیاری از باورها و مفاهیم درباره‌ی زندگی و هستی و ارزش‌های اخلاقی و روابط اجتماعی را دگرگون ساخت و تعریف و تصور جدیدی از آن‌ها را به مردمان عرضه کرد. اگر در بسیاری از دوران، مردمان بر اساس نژاد، باور، طبقه‌ی اجتماعی و... از حقوق اجتماعی خود محروم می‌شدند، اسلام ندای برابری همه‌ی انسان‌ها را سر داد.

امام علی^(ع) در مدت کوتاه خلافتش تلاش کرد، برابری و مساوات را در همه‌ی زمینه‌ها میان همه‌ی انسان‌ها فارغ از نژاد، دین، قبیله، جنس، طبقه‌ی اجتماعی و... برقرار سازد (القرشی، ۱۴۲۹، ج ۱۱، ص ۲۹). بارزترین مثالی که می‌توان از عدالت و برابری امام علی^(ع) که آن را به‌طور عملی به مردمان نشان داد، همان ماجرای قرار گرفتن امام علی^(ع) در دادگاه در کنار یک یهودی و دفاع از خویش بود (نک: رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۴۲۹). مفسران تفسیر المنار از جمله‌ی کسانی هستند که برای برخورداری همه‌ی امت‌ها و کشورها از حقوق برابر تلاش کردند و یکی از دیدگاه‌های روشن تفسیری ایشان لزوم برخورداری همه‌ی انسان‌ها از حقوق و وظایف یکسان است.

در نگاه تفسیر المنار، بسیاری از احکام اسلام برابری میان انسان‌ها را آموزش می‌دهند؛ به‌عنوان مثال، روزه بر همه‌ی مسلمانان واجب شده است، حال فرقی نمی‌کند پادشاه باشند یا مردم عادی، فقیر باشند یا غنی، بلکه با برخورداری از سلامت روزه بر آنان واجب می‌شود و همه‌ی مکلفان در یک زمان مشخص از خوردن و آشامیدن خودداری می‌کنند و در یک زمان خاص افطار می‌نمایند؛ به‌عبارت‌دیگر، مساوات و برابری در همه‌ی این جزئیات نهفته است (رشید رضا، ۱۴۴، ج ۲، ص ۱۴۸)؛ بنابراین، روزه به‌طور عملی برابری را به انسان یادآوری می‌کند و انسان‌ها به‌طور عملی یاد می‌گیرند که فارغ از هر تمایز سیاسی و اجتماعی و... به دستوره‌ای الهی تمکین نمایند.

صاحب المنار حج را یکی دیگر از عباداتی می‌داند که برابری را به انسان آموزش می‌دهد. در این عبادت هیچ‌یک از بندگان خداوند هیچ امتیازی بر یکدیگر ندارند، بلکه همگی به یک شکل و یک سبک می‌پوشند، مناسک خود را از یک نقطه شروع می‌کنند و در یک نقطه به پایان می‌رسانند؛ همچنین در یک مکان توقف می‌کنند (همان، ص ۲۳۴). در تفسیر المنار ذیل آیه مبارک «مَنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ» (بقره: ۱۹۹) آمده است: «این عبارت نشان می‌دهد که مردم در توقف هیچ امتیازی نسبت به یکدیگر ندارند، بلکه کاملاً برابر هستند. بهترین دلیل این امر اسم جنس "الناس" است» (رشید رضا ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۳۴)؛

در تربیت اسلامی، نه تنها مردمان عادی نسبت به هم هیچ امتیازی ندارند، بلکه حاکم نیز هیچ امتیازی ندارد و این چیزی است که پیامبر اکرم^(ص) به‌طور عملی به مردم آموزش داد. غذا، پوشاک و مسکنش هیچ تفاوتی با فرودست‌ترین مردمان جامعه نداشت و هیچ منزلتی فرای سایر مردم برای خویش قائل نبود، به‌گونه‌ای که حتی در هنگام حج، وقتی مردم خواستند برای ایشان سایبانی درست کنند که او را در برابر گرمای آفتاب محافظت نماید، نپذیرفت (همان، ج ۸، ص ۳۸۰). همین مورد نشان می‌دهد که حاکم صرفاً عهده‌دار اداره‌ی جامعه است و نه تنها از هیچ امتیازی بهره‌مند نیست، بلکه مسئولیت سنگین‌تری دارد و به علت اینکه ممکن است در جامعه افرادی باشند که به لحاظ برخورداری از نعمت‌های مادی جامعه از فرودستان جامعه به‌شمار آیند، حاکم برای اینکه حال آنان را دریابد و همچنین برای دلداری به آنان، باید زندگی خویش را هم‌سطح آنان سازد.

صاحب المنار برخورداری همه‌ی مردم از برابری و مساوات در کشورهای اسلامی را علت اصلی نام‌گذاری این کشورها به «دار العدل و الاسلام» می‌داند: «فقه‌های اسلامی کشوری را که بر اساس احکام اسلامی اداره می‌شد، "دار العدل و الاسلام" می‌نامیدند؛ زیرا ایجاد برابری در همه‌ی امور و میان همه‌ی مردمان این کشورها از واجبات احکام اسلامی به‌شمار می‌رفت... برای همین است که یکی از مهم‌ترین مسائلی که بر عهده‌ی اندیشمندان و همه‌ی مسلمانان است این است که از طریق تربیت و علم و دانش و جهاد، به آن دوران بازگرداند» (همان، ج ۱۰، ص ۳۱۶-۳۱۵). تردیدی وجود ندارد که در احکام راستین اسلام، همه‌ی انسان‌ها باهم برابرند و هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد و آنچه انسان‌ها را از همدیگر متمایز می‌سازد، عمل آنان است؛ همچنین هیچ‌کس با بازفهم حقیقی مفاهیم اسلامی برای اصلاح جوامع اسلامی مخالفتی ندارد؛ اما به‌نظر می‌رسد که منظور صاحب المنار بازگشت به دوران خلافت اسلامی است؛ دورانی که بسیاری اوقات ستم‌ها و بی‌عدالتی‌های فراوانی بر مردمان رفته است و نمی‌تواند نمونه‌ی مناسبی برای تجلی عدالت و برابری اسلامی باشد، بلکه باید عدالت و برابری را از قرآن کریم و گفتار و رفتار پیامبر اکرم^(ص) و معصومین^(ع) آموخت.

مواردی که ذکر آن‌ها گذشت، به‌روشنی نشان می‌دهد که آموزش برابری و مساوات میان مردمان یکی از باورهای راسخ صاحب المنار است که هم آثار ایشان و هم زندگی و مبارزات وی بیانگر تلاش ایشان جهت تحقق این مهم است؛ از نکات شایان توجه درباره‌ی این مبنای صاحب

المنار این است که وی معتقد است برابری و مساوات پیش از آنکه از طرف دولت‌ها به مردم داده شود، باید به مردمان آموخته شود که با توجه به اینکه عمل به یک آموزه تأثیر به‌سزایی در آموزش و گسترش آن دارد، بسیاری از احکام اسلامی عدالت و برابری به‌طور عملی به مردم آموزش می‌دهند که توجه به این نوع تربیت باعث اثرگذاری احکام اسلامی در جامعه می‌گردد.

۲.۳.۲. لزوم تربیت آزادی‌خواهی

انسان به‌عنوان شریف‌ترین موجود عالم، آزاد آفریده شده است و در چارچوب سنت‌ها و قوانین حاکم بر جهان قدرت انتخاب و اختیار دارد. اساساً یکی از علل ارسال پیامبران الهی پذیرش آزادی انسان است، وگرنه ارسال پیامبر برای کسی که حق اختیار ندارد، بی‌معنا است. قرآن کریم نیز بر آزاد بودن انسان‌ها در انتخاب دین تأکید کرده است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶). ادیان عموماً انسان را از بسیاری از قیدوبندها آزاد می‌سازند. علاوه بر آزادی‌های گسترده‌ای که اسلام به انسان داده است، با بردگی نیز مبارزه کرده است، به‌گونه‌ای که کفاره‌ی بسیاری از گناهان، آزادی برده قرار داده شده است: «وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ» (نساء: ۹۲)؛ به عبارت بهتر، دین اسلام علاوه بر مبارزه‌ی نظری و قانونی با برده‌داری، به‌طور عملی نیز به انسان‌ها آزادی بخشیده است؛ اما گذر زمان و همچنین به وجود آمدن حاکمان خودکامه باعث شده که برخی از آزادی‌های انسان‌ها سلب گردد.

بسیاری از آزادی‌خواهان در طول مبارزات خویش تلاش می‌کرده‌اند که امت‌ها را از قیدوبندهای حاکمان خودکامه رهایی بخشند. در این میان ممکن است موفقیت‌هایی به دست بیاورند؛ اما گاهی ممکن است خود قربانی آزادی‌خواهی شوند. قدر مسلم، تلاش برای رهایی و آزادی انسان‌ها بدون آنکه پیش از آن، آزادی و حدود و چارچوب‌های آن برای آنان تبیین گردد، علاوه بر آنکه احتمال به ثمر نشستن چنین تلاش‌هایی بسیار محدود است، حتی در صورت به ثمر نشستن چنین تلاش‌هایی ممکن است نتایج آن دوام چندانی نداشته باشد؛ ازاین‌رو، صاحب المنار که اولویت خویش را تربیت جامعه می‌دانست، معتقد بود پیش از آنکه برای آزادی و رهایی تلاش شود، باید مردمان آزادی را بشناسند و آزادی‌خواهی را بیاموزند. بر اساس همین، می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین مبانی سیاسی ایشان لزوم تربیت آزادی‌خواهی به مردمان است.

در نگاه تفسیر المنار، آزادی‌خواهی را باید در خانه آموزش داد؛ زیرا خانه است که آزادگی را به انسان می‌دهد و تنها در خانه است که انسان استقلال و آزادی عمل را می‌آموزد و اگر والدین از فرزندان خویش انتظار داشته باشند که مانند آنان فکر کنند و مانند آنان عمل نمایند، درواقع آنان با این رفتارشان، زمینه‌ی ظهور استبداد و دیکتاتوری را در خانه‌ی خویش فراهم کرده‌اند. مهم‌ترین گام برای درمان استبداد در خانه آموزش والدین است، به‌گونه‌ای که آزادی فکر و عمل به فرزندان داده شود (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۹۰). صاحب المنار معتقد است که پایه و اساس اسلام استقلال و آزادی است و امت اسلامی این مفاهیم را به سایر امت‌ها آموزش داده است، هرچند که اکنون از این مفاهیم بهره‌ی کمی دارد (نک: همان). البته صاحب المنار توضیح می‌دهد که منظور از

آزادی، آزادی غرایز و آزادی حیوانی نیست، بلکه مقصود آزادی سازگار با قوانین و شرع اسلام است که شایسته است همه‌ی انسان‌ها از آن بهره‌مند شوند و بهره‌مندی از این آزادی زمینه‌ی بهره‌مندی انسان از سعادت و خوشبختی در آخرت را فراهم می‌سازد (همان، ج ۱، ص ۲۸۷). صاحب تفسیر المنار پس از بیان سرگذشت بنی‌اسرائیل و عذاب‌هایی که پس از سرپیچی آنان نازل شده، علت رویگردانی آنان از آموزه‌های پیامبران را نداشتن آزادگی می‌داند؛ همچنین راه گرفتار نشدن امت اسلامی به سرنوشت بنی‌اسرائیل را آموزش آزادی و آزادگی به همه‌ی مردم برمی‌شمارد: «باید بدانیم که تنها راه اصلاح امت‌هایی که گرفتار ظلم و استبداد شده‌اند، آموزش آزادی به آنان است، به‌گونه‌ای که بتوانند در کنار فراگیری استقلال و عزت، آموزه‌های دین اسلام و فضائلی که در دین هست را فراگیرند و به آن‌ها عمل کنند و این کاری است که پیامبران الهی از طریق آن، امت‌ها را تغییر داده‌اند» (همان، ج ۶، ص ۳۳۸).

بدین ترتیب روشن می‌شود، لزوم تربیت مردمان به آزادگی و آزادی‌خواهی یکی از مبناهای اساسی تفسیر المنار را شکل می‌دهد.

۲.۳.۳. لزوم رعایت اعتدال در زندگی

مسئله‌ی اهمیت حفظ توازن و اعتدال در همه‌ی شئون و امور زندگی از مطالبی است که در قرآن و روایات و حتی سخنان بزرگان دین و دانش موردتوجه و تأکید قرارگرفته است. در متون دینی واژگان مختلفی برای بیان میانه‌روی استفاده شده است. در این میان واژگانی مانند عدل، وسط، اقتصاد، وزن، استقامت، قسط و مانند آن‌ها بیش از سایر واژگان جلب توجه می‌کنند. (حجتی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۹) علاوه بر اینکه شایسته است انسان در همه‌ی موارد، بر اساس اصل اعتدال عمل نماید و دچار کندروی و تندروری نشود، اعتدال در تربیت نیز مهم و مؤثر است.

تربیت سیاسی افراد بر اساس اعتدال باعث می‌گردد که هر چیز جامعه در جای خودش قرار گیرد و این‌گونه نیست که در اداره‌ی جامعه، به برخی از امور بیش از نیاز جامعه به این امور پرداخته شود و برخی از امور مهم مورد غفلت قرار گیرد و همین باعث شکوفایی همه‌جانبه‌ی جامعه می‌شود و رشد انسان‌ها به یک امر و یک جنبه محدود نمی‌گردد. (سدیس، ۱۴۳۷، ص ۲۸) بر اساس تفسیر المنار، تربیت اسلامی یک تربیت متوازن است و به هر جنبه‌ای از زندگی به اندازه‌ی لازم اهمیت می‌دهد و این‌گونه نیست که کاریکاتورمانند، به یک جنبه اهمیت دهد و از سایر جوانب غفلت کند (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۶). یکی از امتیازات تربیت اسلامی بر دیگر مکاتب همین اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط است و نه مانند یهود به مادیات اهمیت بیشتری می‌دهد و نه به‌سان برخی از مسیحیان به ترک دنیا و رهبانیت دعوت می‌کند تا مردم دچار فقر شدید نشوند؛ همچنین به مادی‌گرایی و مشکلات آن مبتلا نگردند (ج ۱۱، ص ۲۹). بر اساس آموزه‌های تربیتی اسلام، تربیت همان‌گونه که انسان را آخرت‌گرا تربیت می‌کند، از اهمیت دنیا و تلاش و ارزشمندی کار برای آن سخن می‌گوید (نک: ابوزهره، بی‌تا، ص ۸۷). اسلام با سختی دادن به جسم و روح مخالف است، حتی اگر این کار برای عبادت باشد؛ زیرا جسم و روح انسان بر

وی حقوقی دارند و نباید آن‌ها را از این حقوق محروم کند (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴)؛ بنابراین، بهره‌مندی انسان از دنیا با بهره‌مندی او از آخرت ارتباط تنگاتنگی دارد؛ زیرا خیر دنیا پاداش اخروی را به دنبال خواهد داشت.

متوازن بودن تربیت انسان با سرشت انسان نیاز سازگارتر و مناسب‌تر است و این مطلبی است که قرآن نیز به آن اشاره داشته است: «جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره: ۱۴۳)؛ بنابراین، این مبنای تربیتی تفسیر المنار یک مبنای قرآنی است و برگرفته از نظریه‌ی تربیتی اسلام است که قطعاً شناخت هرکدام از این مبانی ما را به مجموعه‌ی کامل نظریه‌ی تربیت اسلامی رهنمون می‌سازد. به عقیده‌ی صاحب المنار، اسلام انسان را به‌گونه‌ای تربیت کرده است که نه بخیل باشند و کمتر از نیاز خویش مصرف کنند و نه در مصرف دچار اسراف و زیاده‌روی گردد، بلکه حالت میانه را برایشان برگزیده و به آنان آموزش داده است و هم اسراف و هم بخل را از عوامل هلاکت امت معرفی کرده است (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۳۱). این مبنای تربیتی علاوه بر اینکه با قرآن و سنت هم‌خوانی کامل دارد، موردپذیرش عقل نیز هست؛ زیرا اساساً زیاده‌روی در هر چیزی زیان‌بخش است، حتی در اموری که نیکو هستند نیز نباید زیاده‌روی کرد؛ چون ممکن است باعث ندامت و پشیمانی شوند. اما اسلام حتی برای دوران جنگ نیز انسان را دعوت به میانه‌روی کرده است که حتی در حق کسانی که با او وارد جنگ شده‌اند، راه میانه‌روی در پیش گیرد: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا» (بقره: ۱۹۰). به عقیده المنار، زوال بسیاری از امت‌ها در نتیجه‌ی زیاده‌روی‌های آنان بوده است. این زیاده‌روی هم گاه به شکل استفاده‌ی نامناسب از منابع رخ داده و گاه برخورد سخت‌گیرانه‌ی حاکمان با مردمانشان خشم خداوند را به دنبال داشته و زوال آن حکومت‌ها را سبب گشته است (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۰۶)؛ به عبارت دیگر، رعایت اعتدال هم از جانب مردم و هم از جانب حکومت، پایداری و استحکام کشورها را به دنبال خواهد داشت؛ اما اگر مردم از میانه‌روی خارج گردند و غرق در عیش و نوش شوند یا حاکمان در مکر و طمع و رقابت برای کسب قدرت زیاده‌روی کردند، بدون تردید آن کشور به فروپاشی خواهد رسید (همان). همه‌ی این‌ها نشان می‌دهد که اعتدال و توازن در زندگی انسان یک ضرورت تردیدناپذیر است که چه بهتر در مکاتب تربیتی نیز موردتوجه قرار گیرد. قدر مسلم، اگر مسلمانان بر اساس اعتدال و میانه‌روی تربیت یابند، جهت‌گیری‌های سیاسی آنان نیز بر اساس افراد و تفریط نخواهد بود (لیاقتدار، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰). صاحب المنار معتقد است که دین اسلام اصول و قواعد میانه‌روی در کشورداری را تبیین کرده است که پایبندی به آن‌ها مسلمانان را از کم‌روی و زیاده‌روی بازمی‌دارد و باعث می‌شود منابع کشور در راه درست استفاده گردد (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۳۸۷). همین مبنا اهمیت اعتدال و میانه‌روی در تربیت سیاسی را روشن می‌سازد.

۴.۳.۲. لزوم پایبندی به قانون

هر جامعه‌ای برای تنظیم امور خود نیازمند پاره‌ای از قوانین است که اجرای آن‌ها رشد و توسعه‌ی جامعه را به دنبال می‌آورد. سیره‌ی پیامبر اکرم^(ص) و اهل‌بیت^(ع) گویای پایبندی آن بزرگواران

به قانون بوده است (نک: نصرتی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۰). پایبندی به قانون نجات‌بخش مردمان جوامع است و مانند رشته‌ی استوار میان لایه‌های مختلف جامعه پیوند برقرار می‌سازد (ری‌شهری، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵). از مهم‌ترین مؤلفه‌های تربیت، تربیت قانون‌گرایی است. اگر همه‌ی مردم یک جامعه عمل به قانون را فراگیرند و بر اساس قانون تربیت شوند، از اختلافات جامعه کاسته خواهد شد و قانون محل رجوع و نقطه‌ی اتفاق مردم قرار می‌گیرد؛ به همین سبب، صاحب تفسیر المنار معتقد است که پیش از تشکیل یک حکومت استوار، باید مردم قانون‌گرایی را فراگیرند. اگر هر فرد از جامعه بر اساس قانون عمل کند و سرباز بر اساس قانون از فرماندهی خود اطاعت نماید و حاکم بر اساس قانون با مردم مشورت کند و از قوانین وضع‌شده به‌وسیله‌ی مجلس مردم تمکین نماید، هر چیز در جای خود قرار خواهد گرفت و قانون در جامعه نهادینه می‌شود (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۹۶). صاحب تفسیر المنار معتقد است، قوانینی که مبنای آن‌ها قرآن و سنت است، در صورت آموزش می‌توانند وحدت و انسجام جامعه را تأمین کنند و از رفتن جامعه به‌سوی هرج‌ومرج جلوگیری نمایند (همان، ج ۵، ص ۱۹۰). به نظر می‌رسد که صاحب المنار بیش از آنکه بر تشکیل حکومت و شکل حکومت تأکید داشته باشد، تلاش کرده است که از طریق آموزش و تربیت پایه‌های آن حکومت را بنا نهد تا مردم خود از طریق تربیت و آموزش، مقدمات تشکیل حکومتی مقتدر را فراهم سازند. از مبناهای تربیتی شایان توجه صاحب المنار درباره‌ی قانون‌گرایی این است که وی معتقد است که مردم باید آموزش ببینند و اطاعت از قانون لزوماً اطاعت از حاکم را در پی ندارد؛ بنابراین، مردم حتی اگر بر شخص حاکم و شکل حکومت وی انتقاد دارند، باید پایبندی به قانون آر فراگیرند (همان، ص ۲۷۹).

آنچه گذشت، نشان می‌دهد که صاحب تفسیر المنار نگاه ویژه‌ای به تربیت سیاسی داشته و تلاش کرده است که از رهگذر تفسیر آیات قرآن، نظریه‌ی تربیتی اسلام را شرح و تبیین سازد.

نتیجه‌گیری

نگرش تربیتی تفسیر المنار از یک امتیاز و خصیصه‌ی بزرگ برخوردار است و آن شکفتن این نگرش بر مبنای آموزه‌های پیامبر اکرم^(ص) و آیات قرآن کریم است. بررسی مبانی تربیت سیاسی تفسیر المنار نشان می‌دهد، نگاه مفسر المنار به تفسیر قرآن کریم یک نگاه واقع‌بینانه است، به‌گونه‌ای که مفسر تلاش کرده است که آموزه‌های قرآن را وارد زندگی عملی مردم سازد؛ به همین سبب، وی که ریشه‌ی همه‌ی نابسامانی‌های جوامع اسلامی را در شکل حکومت‌های آنان می‌داند، تلاش کرده است تا به‌جای دعوت به تغییر نظام‌های سیاسی، تربیت مردمان را سرلوحه‌ی رویکرد تربیتی خویش قرار دهد تا از این رهگذر، زمینه‌ی بازگشت به اسلام اصیل فراهم شود. در نگاه تفسیر المنار، تربیت سیاسی جامعه باید در ساحت‌های خداشناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی و زمان‌شناختی انجام گیرد و نمی‌توان به هریک از این ساحت‌ها فارغ از ساحت‌های دیگر توجه کرد؛ زیرا این ساحت‌ها بر همدیگر تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند؛ به‌عنوان مثال، در بعد خداشناختی، تربیتی که به انسان فارغ از باورهای دینی توجه دارد، تربیتی ناقص و تک‌بعدی

خواهد بود؛ همچنین اطاعت از حاکم عادل یکی دیگر از مبانی مفسر المنار است. درباره‌ی ساحت انسان‌شناختی، صاحب المنار بر این باور است که انسان‌ها در برخورداری از حقوق و داشتن وظایف برابرند و باید بر اساس همین برابری تربیت شوند. از موارد دیگری که در نگرش تربیتی تفسیر المنار اهمیت دارد، لزوم آغاز تربیت از خویش است؛ زیرا کسی که به آموزه‌ای اعتقاد دارد، حتماً پیش از هرکس دیگری خود به آن عمل می‌کند و زمانی تربیت و دعوت وی مؤثر واقع می‌شود که خود به گفته‌های خویش عمل نماید؛ همچنین مبانی جامعه‌شناختی تفسیر المنار نیز قابل‌توجه است. پایبندی به قانون مهم‌ترین رکن در تربیت سیاسی مدنظر تفسیر المنار است؛ زیرا در جامعه‌ای که قانون ارزشمند نیست، هر ساختار سیاسی که در آن حاکم شود، قادر به اصلاح آن جامعه نخواهد بود.

منابع

- القرآن الکریم؛ ترجمه‌ی مهدی فولادوند.
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد؛ مقدمة ابن‌خلدون؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۳۸ ق.
- ابن‌منظور، أبو‌الفضل محمد بن مکرم بن علی؛ لسان‌العرب؛ چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
- ابوزهره، محمد؛ تاریخ المذاهب الاسلامیة؛ القاهرة: دار الفکر العربی، بی‌تا.
- اسلامی، هاشم؛ «فرازها و فرودهای تفسیر المنار»؛ پژوهش‌های قرآنی، شماره‌ی ۷، ۱۳۷۵ ش.
- احمد، امین؛ زعماء الإصلاح فی العصر الحدیث؛ قاهره: موسسه هنداوای للثقافة و التعليم، ۲۰۱۲ م.
- الهامی‌نیا، علی‌اصغر و احمدی، محمدرضا؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ قم: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۸ ش.
- برزگر، رقیه؛ کریمی، محمدحسن؛ سردارنیا، خلیل‌الله؛ مزیدی، محمد؛ «تربیت سیاسی، اهداف، سازوکارها و بایسته‌های روشی آن»؛ رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره‌ی ۳، ۱۳۹۸ ش.
- پیشوایی، مهدی؛ سیره پیشوایان؛ قم: مؤسسه امام صادق ۱۳۹۰ ش.
- جعفری تبریزی، محمدتقی؛ حکمت اصول سیاسی اسلام؛ تهران، بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۷۳ ش.
- جوادی آملی، عبدالله؛ انسان در اسلام؛ تهران: رجاء، ۱۳۷۲ ش.
- حسن‌زاده آملی، حسن؛ انسان و قرآن؛ چاپ دوم، تهران: الزهراء، ۱۳۶۹ ش.
- حسینی، محمدحسین؛ فلسفه سیاسی فارابی و ارتباط آن با ولایت فقیه؛ قم: المصطفی، ۱۳۸۸ ش.
- حسینی، مصطفی؛ شیخ عبده مصلح بزرگ مصر؛ تهران: قلم، ۱۳۵۷ ش.
- حجتی، محمدباقر؛ مسائل تربیتی اسلام؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ تحقیق صفوان عدنان داوودی؛ بیروت: دار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
- رشیدرضا، محمد؛ تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار؛ بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۴ ق.
- _____؛ حقوق النساء فی الاسلام وحضن من الاصلاح المحمدی؛ بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۹۸۴ م.
- دروزه، محمد عزت؛ التفسیر الحدیث؛ القاهرة: دار إحياء الكتب العربية، ۱۳۸۳ ق.
- السدیس، عبدالرحمن بن عبدالعزیز؛ بلوغ الامال فی الوسطیة و الاعتدال: الریاض: مدار الوطن، ۱۴۳۷ ق.
- حمیدرضا، شاکرین؛ «مبانی خدا شناختی و فهم معرفت دینی»؛ قیسات، سال ۱۳، ۱۳۸۷ ش.
- طباطبایی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۳۹۰ ق.
- عاملی، ابراهیم؛ تفسیر عاملی؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری؛ تهران: کتاب‌فروشی صدوق، ۱۳۶۰ ش.
- عبده، محمد؛ رساله التوحید؛ قاهره: الملتزم، ۱۳۳۴ ق.
- عماره، محمد؛ الاعمال کامله للشیخ عبده؛ القاهرة: دار الشروق، ۱۹۹۳ م.
- غزالی، ابو‌حامد؛ کیمیای سعادت؛ تصحیح بهاء‌الدین خرمشاهی؛ قم: نگاه، ۱۳۸۹ ش.
- الفارابی، ابونصر؛ السیاسة المدنیة؛ تحقیق فوزی النجار؛ بیروت: المطبعة کاتولیکیة، ۱۹۶۴ م.
- الفراهیدی؛ عبدالرحمن الخلیل بن‌احمد؛ العین؛ تحقیق المخزومی؛ چاپ دوم، تهران: مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۰۹ ق.

- فخر رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الكبير بیروت: مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- فضل الله، محمد حسین؛ من وحی القرآن؛ بیروت: دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.
- _____؛ الحوار فی القرآن الکریم، بیروت: دار الملائک، ۱۹۹۶ م.
- فقهی زاده، عبدالهادی؛ علامه‌ی مجلسی و فهم حدیث؛ چاپ دوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۳ ش.
- فلسفی، محمد تقی؛ الطفل بین الوراثة والتربیة؛ تحقیق: فاضل الحسینی الميلانی؛ بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۳۸۶ ش.
- القرشی، باقر شریف؛ موسوعة الإمام علی بن أبی طالب؛ تحقیق: مهدی باقر القرشی؛ نجف: مؤسسه الكوثر، ۱۴۲۹ ق.
- کوثرانی، وجیه؛ مختارات سیاسیة من مجلة المنار؛ المکز العربی للابحاث، ۲۰۱۹ م.
- لیاقتدار، محمد جواد؛ تعلیم و تربیت از دیدگاه امام سجاد؛ قم: معارف، ۱۳۸۶ ش.
- محسنی، محمد آصف؛ مباحث علمی دینی؛ چاپ دوم، کابل: حوزة علمیه خاتم النبیین، ۱۳۸۷ ش.
- معرفت، محمد هادی؛ قصه در قرآن؛ ترجمه‌ی حسن خرقانی؛ قم: موسسه التمهید، ۱۳۸۷ ش.
- _____؛ التفسیر الأثری؛ قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۴۲۹ ق.
- مؤدب، رضا؛ مبانی تفسیر قرآن؛ قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۶ ش.
- میراحمدی، عبدالله؛ تحلیل و نقد مبانی و آرای کلامی تفسیر المنار؛ رساله‌ی دوره‌ی دکتری، رشته‌ی قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۹۴ ش.
- نصرتی، علی اصغر؛ نظام سیاسی اسلام؛ چاپ ششم، قم: هاجر، ۱۳۸۳ ش.
- الهاشمی احمد؛ جواهر البلاغه؛ تحقیق: یوسف الصمیلی؛ بیروت: المکتبه العصریة، ۱۹۹۹ م.